



وزیر ناصادق

❗ در حالی که بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در طرح نهضت ملی مسکن ثبت‌نام کردند و این پروژه با تغییر دولت در سال ۱۴۰۳ دچار رکود شد، اکنون وزیر راه و شهرسازی دولت پزشکیان می‌گوید در ۲ سال باقی‌مانده از این دولت، فقط ۳۵۰ هزار واحد مسکن را تکمیل خواهند کرد.

❗ فرزانه صادق ضعیف‌ترین کارنامه را در بخش تولید مسکن به جای گذاشته و رشد اقتصادی بخش ساختمان در دوره او منفی ۱۰ درصد شده است.



در حالی که نیاز سالانه کشور به ساخت مسکن حمایتی سالانه حداقل یک میلیون واحد است، فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی دولت پزشکیان از ساخت حداکثر ۳۵۰ هزار واحد تا ۲ سال دیگر خبر داد.

«قول نمی‌دهم. سعی می‌کنیم ۳۵۰ هزار واحد مسکن دیگر بسازیم!» این آخرین اظهارات وزیر راه و شهرسازی، فرزانه صادق مالواجرد، است.

در حالی که قانون، دولت را موظف به ساخت حداقل یک میلیون واحد سالانه مسکن حمایتی کرده است، اما همین را هم خانم وزیر در بهمن سال گذشته تقلیل داد و گفته بود که تا پایان دولت کلاً ۸۵۰ هزار واحد مسکن ساخته می‌شود.

اما حالا باز هم خانم مالواجرد آمار ساخت را به‌روز کرد و با بیان اینکه کلاً ۱۳۰ هزار واحد از ۸۵۰ هزار واحد به مردم تحویل شده، گفت

وزیر ناصادق

❗ در حالی که فرزانه صادق ضعیف‌ترین کارنامه را در بخش تولید مسکن به جای گذاشته و رشد اقتصادی بخش ساختمان در دوره او منفی ۱۰ درصد شده، در تازه‌ترین اظهاراتش از عمل به قانون برای تولید مسکن خودداری کرده است.

همزمان با افزایش قیمت دلار به بالای ۲۰۰ هزار تومان صورت گرفت؛

نامه نمایندگان مجلس در انتقاد از عملکرد همتی در بانک مرکزی

❗ روز گذشته قیمت دلار در بازار به ۲۱۰ هزار تومان رسید تا افزایش قیمت آن در ۸ ماه فعالیت عبدالناصر همتی در ریاست بانک مرکزی به ۵۵ درصد برسد. در ۱۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ که همتی رئیس بانک مرکزی در دولت پزشکیان شد قیمت دلار ۱۳۵ هزار تومان بود.

در همین زمینه، نایب‌رئیس کمیسیون اصل نودم قانون اساسی در مجلس از نامه جمعی از نمایندگان مجلس به سران قوا درباره عملکرد عبدالناصر همتی در بانک مرکزی و وضعیت بازار ارز خبر داد.

به گزارش خانه ملت، حسینعلی حاجی‌دلیگانی نایب‌رئیس کمیسیون اصل نودم قانون اساسی در قوه مقننه و نماینده مردم شاهین شهر در مجلس شورای اسلامی از نامه جمعی از نمایندگان مجلس به سران قوا درباره عملکرد عبدالناصر همتی در بانک مرکزی و وضعیت بازار ارز خبر داد و گفت: با توجه به نوسانات بازار ارز و آثار مستقیم آن بر معیشت مردم، لازم است بانک مرکزی با شفافیت بیشتری درباره وضعیت بازار و برنامه‌های خود برای مدیریت آن پاسخ‌گو باشد.

وی افزود: با توجه به شرایط موجود و تشدید فشارهای ارزی، ایجاد یک سازمان مقابله با جنگ ارزی ذیل بانک مرکزی ضروری است تا موضوع رصد بازار، مدیریت منابع ارزی و مقابله با اقدامات مخرب علیه ثبات پول ملی با انسجام و سرعت بیشتری دنبال شود.

متن کامل نامه نمایندگان مجلس به سران قوا به شرح زیر است:

در شرایطی که نوسانات مداوم بازار ارز، طلا و سکه، نگرانی و نااطمینانی را در میان مردم و فعالان اقتصادی افزایش داده است، انتظار می‌رود بانک مرکزی و سیاست‌گذار پولی و ارزی کشور با صراحت و شفافیت بیشتری درباره وضعیت موجود و برنامه‌های خود برای مدیریت بازار توضیح دهند.

افزایش نرخ ارز فقط یک تغییر عددی در تابلوی صرافی‌ها و بازار نیست. وقتی نرخ ارز بالا می‌رود، اثر آن خیلی زود به قیمت کالاها و خدمات منتقل می‌شود؛ از مواد اولیه و تجهیزات تولید گرفته تا دارو، کالاهای اساسی، حمل‌ونقل، اجاره مسکن و هزینه‌های روزمره خانوار. در چنین شرایطی، طبیعی است که مردم برای حفظ ارزش پس‌انداز خود به خرید طلا و ارز روی بیاورند. این رفتار را نباید فقط به جنگ با آمریکا یا سفته‌بازی و هیجانات بازار نسبت داد؛ بخشی از آن نتیجه کاهش اعتماد مردم به آینده اقتصاد و نگرانی آنها از آفت قدرت خرید پول ملی است.

بر همین اساس، از رئیس کل بانک مرکزی و مجموعه سیاست‌گذار پولی انتظار می‌رود:

۱. وضعیت بازار ارز شفاف شود؛ مردم و فعالان اقتصادی حق دارند بدانند منابع ارزی کشور در چه وضعیتی قرار دارد، مداخلات ارزی بانک مرکزی با چه هدفی انجام می‌شود، چه میزان ارز برای نیازهای مختلف اختصاص پیدا می‌کند، تعهدات ارزی کشور چقدر است و وضعیت بازگشت ارز حاصل از صادرات چگونه است.

۲. برای مهار تورم، یک برنامه مشخص و قابل ارزیابی ارائه شود: اعلام کلی هدف کاهش تورم کافی نیست. لازم است برنامه‌ای روشن و زمان‌بندی‌شده برای کنترل رشد نقدینگی، پایه پولی، اضافه‌برداشت بانک‌ها و سایر عوامل مؤثر بر تورم ارائه شود تا مردم و کارشناسان بتوانند در مقاطع مختلف، نتیجه سیاست‌ها را ارزیابی کنند.

۳. درباره ناترازی بانک‌ها با مردم صادقانه صحبت شود: یکی از مشکلات مهم اقتصاد ایران، ناترازی بخشی از شبکه بانکی است. لازم است مشخص شود کدام بانک‌ها با مشکل ناترازی مواجه‌اند، این ناترازی چگونه تأمین مالی می‌شود و چه برنامه‌ای برای اصلاح آن وجود دارد. تأمین‌کسری‌ها از منابعی که در نهایت به افزایش پایه پولی و تورم منجر می‌شود، هزینه‌ای است که در نهایت مردم آن را از طریق کاهش قدرت خرید خود پرداخت می‌کنند.

۴. سیاست ارزی از تصمیمات مقطعی و غیرقابل پیش‌بینی فاصله بگیرد؛ تولیدکننده، مادرکننده، واردکننده و حتی خانوارها برای تصمیم‌گیری به

یک چشم‌انداز روشن نیاز دارند. تغییر مداوم مقررات و تصمیمات ناگهانی، نه تنها برنامه‌ریزی اقتصادی را دشوار می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه ایجاد رانت، فساد و فعالیت‌های سفته‌بازانه را افزایش دهد.

۵. گزارش عملکرد بانک مرکزی به صورت منظم منتشر شود: مردم باید بدانند برای حفظ ارزش پول ملی چه اقداماتی انجام شده، هر سیاست چه نتیجه‌ای داشته و در صورت تحقق نشدن اهداف، علت چه بوده است. پاسخ‌گویی فقط به معنای اعلام تصمیمات جدید نیست؛ بلکه یعنی ارائه گزارش روشن از نتیجه تصمیمات قبلی.

واقعیت این است که ثبات بازار ارز و مهار تورم با بخشنامه، وعده‌های کوتاه‌مدت یا برخورد صرفاً انتظامی با بازار به دست نمی‌آید. اگر ریشه‌های اقتصادی بی‌ثباتی اصلاح نشود، ممکن است با کنترل مقطعی بازار، مشکل برای مدتی پنهان شود، اما دوباره خود را در قالب افزایش نرخ ارز، رشد قیمت طلا و کاهش قدرت خرید مردم نشان خواهد داد.

راه‌حل پایدار، نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات همزمان است: از انضباط مالی دولت و جلوگیری از تأمین مالی تورم‌زا گرفته تا اصلاح ناترازی بانک‌ها، ایجاد ثبات در سیاست‌های اقتصادی، شفافیت بیشتر، تقویت تولید و صادرات و مهم‌تر از همه، بازسازی اعتماد مردم به سیاست‌گذاری اقتصادی. مردم نباید هزینه تصمیم‌های نادرست، تأخیر در اصلاحات یا نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی را پرداخت کنند. وقتی ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند، در نهایت این کاهش ارزش در زندگی روزمره میلیون‌ها خانوار دیده می‌شود.

کشور تجربه ساخت ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد مسکن در کمتر از ۳ سال آن‌هم در شرایط بدتر از این را دارد اما یکی از استانداران دولت آقای پزشکیان در جلسه شورای مسکن یک استان بیان کردند که مسکن حتی جزو اولویت دولت هم نیست.

این در حالی است که در برخی نقاط پایتخت، هزینه اجاره مسکن بیش از ۸۰ درصد سبد مخارج خانواده را شامل می‌شود و اهمیت دولت به مسکن یعنی افزایش قدرت خرید مردم تا ۸۰ درصد بیشتر و تورم، کنترل و کاهشی می‌شود.

بر اساس آمار بانک مرکزی متوسط رشد اقتصادی بخش ساختمان در دوره وزارت فرزانه صادق منفی ۱۰ درصد بوده که پایین‌ترین رشد در بین وزرای مسکن در سه دهه اخیر محسوب می‌شود.

حفظ ارزش پول ملی فقط یک هدف اقتصادی نیست و مستقیماً با قدرت خرید، امنیت اقتصادی و آینده زندگی مردم ارتباط دارد. بنابراین انتظار می‌رود مسئول بانک مرکزی، به جای توضیح صرف نوسانات بازار و ارائه سیگنال ضعف به دشمنان قسم‌خورده ایران، درباره ریشه‌های آن، برنامه مقابله با آن و نتایج قابل اندازه‌گیری سیاست‌های خود نیز پاسخ‌گو باشد و مردم بیش از هر چیز به ثبات، شفافیت و صداقت در سیاست‌گذاری اقتصادی نیاز دارند.





بحران هرمز قدرت اوپک پلاس را کاهش داد

حسین هدایتی

اختلال گسترده صادرات نفت از تنگه هرمز، قدرت اوپک پلاس برای تنظیم بازار جهانی نفت را کاهش داده است. سهم این ائتلاف از تولید جهانی که پیش از جنگ بیش از ۴۸ درصد بود، در جولای به حدود ۴۰ درصد رسید و شش تصمیم متوالی برای افزایش تولید نیز به دلیل محدودیت صادرات اعضا اثر محسوسی بر بازار نداشت. در مقابل، چین از آغاز جنگ حدود ۴۰۰ میلیون بشکه کمتر از مدت مشابه سال قبل نفت خریداری کرده و کاهش تقاضای بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان به یکی از عوامل اصلی مهار قیمت‌ها تبدیل شده است. این شرایط بخشی از قدرت تنظیم بازار را، دست کم به طور موقت از سمت تولیدکنندگان به سمت بزرگ‌ترین خریدار نفت منتقل کرده است.

به گزارش مسیر اقتصاد اوپک پلاس طی یک دهه گذشته با افزایش یا کاهش هماهنگ عرضه، یکی از مهم‌ترین بازیگران تعیین‌کننده بازار جهانی نفت بوده است؛ اما شش ماه پس از آغاز جنگ ایران، توان این ائتلاف برای اثرگذاری بر بازار به شدت محدود شده است. رویترز در گزارشی تازه نوشته است بسته شدن بخش عمده ظرفیت عبور نفت از تنگه هرمز و آسیب به زیرساخت‌های انرژی چند کشور تولیدکننده، باعث شده مسئله اصلی بازار دیگر این نباشد که اعضای اوپک پلاس چه میزان مایل به تولید هستند؛ بلکه این باشد که چه میزان نفت را واقعاً می‌توانند تولید و صادر کنند.

سهم اوپک پلاس به ۴۰ درصد رسید

بر اساس محاسبات رویترز با استفاده از داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی، اعضای اوپک پلاس در جولای حدود ۴۰ درصد تولید نفت جهان را در اختیار داشتند؛ در حالی که پیش از آغاز جنگ این سهم بیش از ۴۸ درصد بود.

البته تمام این کاهش ناشی از جنگ نیست. خروج امارات از اوپک در ماه مه به تنهایی حدود ۵ تا ۶ درصد از کاهش سهم این ائتلاف را توضیح می‌دهد. با این حال اختلال صادرات عربستان، عراق، کویت و دیگر تولیدکنندگان وابسته به هرمز نیز بخش مهمی از کاهش نفوذ عملی اوپک پلاس را رقم زده است. هفت عضو اصلی این ائتلاف، از جمله عربستان و روسیه، اکنون در مجموع حدود یک چهارم تولید نفت جهان را در اختیار دارند.

شرایط کنونی با اختلال‌های قبلی بازار نفت تفاوت دارد. در جنگ‌های گذشته معمولاً کاهش تولید یک کشور با افزایش عرضه دیگر اعضای اوپک جبران می‌شد؛ اما این بار چند تولیدکننده بزرگ به طور هم‌زمان با محدودیت صادرات مواجه شده‌اند و همین مسئله ظرفیت واکنش گروه را کاهش داده است.

شش افزایش تولید که روی کاغذ ماند

هسته اصلی اوپک پلاس از ماه مارس تاکنون شش بار افزایش تولید اعلام کرده است. با این حال رویترز می‌گوید بخش زیادی از این افزایش‌ها به دلیل محدودیت عبور نفت از هرمز عمل‌آروی کاغذ باقی مانده و تصمیم‌های اوپک پلاس اثر کمی بر قیمت نفت داشته است. تنها استثنای قابل توجه در جولای و هم‌زمان با آتش‌بس کوتاه ایران و آمریکا بود؛ زمانی که احتمال بازگشایی هرمز افزایش یافت و بازار دوباره به تصمیم عرضه اوپک پلاس واکنش نشان داد.

این وضعیت با سال ۲۰۱۹ تفاوت زیادی دارد. در آن دوره، اعلام تصمیم‌های اوپک پلاس درباره افزایش یا کاهش چندصد هزار بشکه‌ای تولید می‌توانست به سرعت قیمت نفت را جابه‌جا کند. اکنون حتی اعلام افزایش تولید نیز تا زمانی که امکان فیزیکی صادرات وجود نداشته باشد، اهمیت محدودی برای معامله‌گران دارد.

کاهش ۴۰۰ میلیون بشکه‌ای خرید چین

در همین شرایط، رفتار چین از سمت تقاضا اهمیت بیشتری پیدا کرده است. چین از زمان آغاز جنگ تاکنون حدود ۴۰۰ میلیون بشکه کمتر از مدت مشابه سال گذشته نفت وارد کرده است. کاهش فعالیت پالایشگاه‌ها، محدودیت صادرات فرآورده و توسعه حمل‌ونقل برقی از عوامل کاهش تقاضای نفت چین عنوان شده است.

این کاهش خرید در شرایطی رخ داده که بازار با یکی از بزرگ‌ترین اختلال‌های عرضه تاریخ خود مواجه است. اگر چین خرید نفت خود را در سطح سال گذشته حفظ می‌کرد، فشار بر عرضه و قیمت جهانی به مراتب بیشتر بود.

رفتار چین در سال قبل نیز اهمیت این کشور را نشان می‌دهد. طبق گزارش رویترز، افزایش خرید چین در سال ۲۰۲۵ ممکن است تا نیمی از رشد تقاضای جهانی نفت را به خود اختصاص داده باشد و از قیمت‌ها حمایت کرده باشد. در سال جاری همین کشور با کاهش خرید، در جهت عکس عمل کرده و بخشی از اثر کمبود عرضه را خنثی کرده است.

چین «تنظیم‌کننده تقاضا» شده است؟

در بازار نفت اصطلاح swing producer معمولاً به تولیدکننده‌ای اطلاق می‌شود که با افزایش یا کاهش سریع عرضه می‌تواند بازار را متعادل کند؛ نقشی که طی دهه‌های گذشته عمدتاً عربستان و سپس اوپک پلاس ایفا کرده‌اند. اما تحلیلگران مورد استناد رویترز اکنون چین را «مرکز تنظیم تقاضا» می‌دانند؛ به این معنا که تغییر چند میلیون بشکه‌ای از خرید بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان می‌تواند بخش قابل توجهی از تغییر عرضه را جذب یا تشدید کند.

البته این تحول به معنای پایان قدرت اوپک پلاس یا جایگزینی دائمی چین نیست. بخش مهمی از کاهش نفوذ فعلی ائتلاف نفتی نتیجه شرایط استثنای جنگ، محدودیت هرمز و خروج امارات از اوپک است و با بازگشت صادرات منطقه، توان اوپک پلاس برای تنظیم عرضه نیز می‌تواند افزایش یابد.

با این حال بحران کنونی یک تغییر مهم را برجسته کرده است؛ در بازاری که امکان تنظیم سریع عرضه محدود شده، رفتار بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان می‌تواند به اندازه تصمیم تولیدکنندگان بر قیمت اثرگذار باشد. در سال ۲۰۲۶، کاهش خرید چین نمونه روشن این جابه‌جایی موقت قدرت در بازار جهانی نفت بوده است.



دولت‌ها برای مهار نرخ سود اوراق به استقراض کوتاه‌مدت روی آوردند

گزارش

سیدعلی موسوی

افزایش بدهی و کسری بودجه در اقتصادهای پیشرفته، سرمایه‌گذاران را برای خرید اوراق دولتی بلندمدت به مطالبه بازده بالاتر واداشته است. بدهی دولت فدرال آمریکا از ۴۰ هزار میلیارد دلار، معادل ۱۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی سال قبل، عبور کرده و کسری بودجه این کشور نیز حدود ۶ درصد تولید ناخالص داخلی است. در واکنش به افزایش هزینه تأمین مالی بلندمدت، آمریکا، بریتانیا و ژاپن انتشار اوراق کوتاه‌مدت با نرخ پایین‌تر را افزایش داده‌اند؛ اقدامی که هزینه فعلی را کاهش می‌دهد اما دولت‌ها را مجبور می‌کند بدهی خود را با فاصله زمانی کوتاه‌تری دوباره تأمین مالی کنند. علاوه بر این در برخی کشورها بانک‌های مرکزی نیز برای خرید اوراق دولتی وارد عمل شده‌اند و از این طریق به جلوگیری از افزایش نرخ سود اوراق کمک می‌کنند.

بازده اوراق دولتی بلندمدت در تعدادی از اقتصادهای پیشرفته به بالاترین سطوح سال‌های اخیر رسیده است. بازده اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری آمریکا در ۱۸ آگوست به بالاترین سطح از ژانویه ۲۰۲۵ رسید و بازده اوراق ۳۰ ساله

نیز برای مدتی از ۵.۳ درصد عبور کرد که بالاترین رقم از سال ۲۰۰۷ محسوب می‌شود.

این روند محدود به آمریکا نیست. بازده اوراق بلندمدت بریتانیا، فرانسه و آلمان به سطوحی رسیده که بیش از یک دهه مشاهده نشده بود و بازده اوراق ۳۰ ساله ژاپن نیز به رکورد تاریخی خود نزدیک شده است. افزایش بازده به این معناست که دولت‌ها برای جذب خریدار اوراق جدید باید هزینه بیشتری بپردازند.

بدهی ۴۰ هزار میلیارد دلاری آمریکا

عامل اصلی افزایش تدریجی بازده اوراق از نگاه اکونومیست، نگرانی سرمایه‌گذاران درباره حجم بدهی و کسری بودجه دولت‌هاست. وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۱۹ آگوست اعلام کرد بدهی فدرال برای نخستین بار از ۴۰ هزار میلیارد دلار عبور کرده است؛ رقمی معادل حدود ۱۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی سال گذشته. کسری بودجه دولت نیز نزدیک به ۶ درصد تولید ناخالص داخلی است. بازار اوراق به تفاوت وضعیت مالی کشورها نیز واکنش نشان داده است. فاصله بازده اوراق ۱۰ ساله فرانسه و آلمان به بیشترین میزان از سال ۲۰۱۲ رسیده و اکنون بازار برای اوراق دولت ژاپن بازده بالاتری نسبت به اوراق دولت چین مطالبه می‌کند. اکونومیست این وضعیت را به نگرانی سرمایه‌گذاران از دشواری کاهش هزینه‌های بلندمدت دولت را با لنگه دارد.

دولت یا افزایش درآمدهای مالیاتی در فرانسه و ژاپن مرتبط می‌داند.

سرمایه‌گذاران خصوصی سهم بیشتری از اوراق می‌خرند

تغییر ترکیب خریداران اوراق دولتی نیز هزینه تأمین مالی را افزایش داده است. در نشست ماه ژوئن فدرال رزرو به اعضای کمیته سیاست‌گذاری توضیح داده شد که مالکیت اوراق خزانه‌داری آمریکا به تدریج از دارندگان رسمی که حساسیت کمتری به قیمت دارند، به سمت سرمایه‌گذاران خصوصی حساس‌تر به بازده حرکت کرده است.

در چنین شرایطی، برای متقاعد کردن سرمایه‌گذار به نگهداری اوراق بلندمدت، دولت باید بازده بیشتری بپردازد. این افزایش «صرف زمانی» می‌تواند حتی بدون تغییر نرخ سیاستی بانک مرکزی، هزینه استقراض بلندمدت دولت را با لنگه دارد.

هم‌زمان، دولت‌ها در جذب سرمایه با شرکت‌ها نیز رقابت بیشتری پیدا کرده‌اند. شرکت‌های بزرگ فناوری طی ماه‌های اخیر حدود ۷۵ میلیارد دلار اوراق برای تأمین مالی مراکز داده و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی منتشر کرده‌اند. برآورد گلدمن ساکس، انتشار بدهی این شرکت‌ها تقریباً به دو برابر کل سال گذشته رسیده است.

افزایش عرضه اوراق شرکتی با کیفیت اعتباری بالا، گزینه‌های بیشتری پیش روی سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و دولت‌ها برای جذب همان منابع مالی ناچارند شرایط جذاب‌تری ارائه کنند.

کاهش هزینه امروز با افزایش ریسک فردا

یکی از واکنش‌های دولت‌ها به بالا رفتن بازده اوراق بلندمدت، کوتاه کردن سررسید بدهی جدید بوده است. آمریکا، بریتانیا و ژاپن فروش اوراق کوتاه‌مدت را افزایش داده‌اند؛ زیرا این اوراق در حال حاضر بازده پایین‌تری دارند و در نتیجه هزینه اولیه تأمین مالی دولت را کاهش می‌دهند. اما این سیاست یک هزینه مهم دارد. هرچه سررسید بدهی کوتاه‌تر باشد، دولت باید بخش بیشتری از بدهی خود را در فاصله‌های زمانی کوتاه دوباره تأمین مالی کند. در نتیجه اگر سررسید حجم بزرگی از اوراق با دوره‌ای از نرخ‌های بهره بالا هم‌زمان شود، هزینه بدهی می‌تواند به سرعت افزایش یابد. به بیان دیگر، دولت با انتشار اوراق کوتاه‌مدت بخشی از هزینه بالای امروز را به ریسک تأمین مالی آینده تبدیل می‌کند.

کزینه محدود بانک‌های مرکزی

راه دیگر برای پایین آوردن بازده، افزایش خرید اوراق از سوی بانک‌های مرکزی است. با افزایش تقاضا برای اوراق، قیمت آنها بالا و بازده کاهش پیدا می‌کند. اما بسیاری از بانک‌های مرکزی پس از دوره بزرگ خرید دارایی‌ها قصد داشتند ترانزاکشن خود را کوچک کنند و بازگشت گسترده به بازار اوراق با این هدف در تعارض است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز اعلام کرده است از ماه آینده با خرید اوراق بلندمدت را افزایش خواهد داد؛ اقدامی که تحلیلگران دوپچه‌بانک آن را نشانه نگرانی دولت از افزایش بازده می‌دانند. با این حال این مداخلات می‌تواند در کوتاه‌مدت فشار بازار را کاهش دهد، اما تا زمانی که نگرانی درباره بدهی و کسری بودجه با پرجاست، بعید است خریداران اوراق برای مدت طولانی به بازده پایین‌تر رضایت دهند.

تجربه اخیر نشان می‌دهد افزایش بدهی تنها از مسیر حجم بازپرداخت برای دولت‌ها مسئله ایجاد نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند ترکیب تأمین مالی آنها را نیز تغییر دهد. هرچه سرمایه‌گذاران برای نگهداری بدهی بلندمدت بازده بیشتری مطالبه کنند، دولت‌ها انگیزه بیشتری برای انتقال استقراض به سررسیدهای کوتاه خواهند داشت؛ تصمیمی که فشار فعلی بودجه را کاهش می‌دهد، اما حساسیت مالی دولت به نرخ بهره در سال‌های آینده را بیشتر می‌کند.

یکی از واکنش‌های دولت‌ها به بالا رفتن بازده اوراق بلندمدت، کوتاه کردن سررسید بدهی جدید بوده است. آمریکا، بریتانیا و ژاپن فروش اوراق کوتاه‌مدت را افزایش داده‌اند؛ زیرا این اوراق در حال حاضر بازده پایین‌تری دارند و در نتیجه هزینه اولیه تأمین مالی دولت را کاهش می‌دهند.

بلژیک و هلند ظرفیت تبادل برق را توسعه می‌دهند

محمدفاضل نصیری

افزایش تقاضای برق و گسترش تولید

متغیر تجدیدپذیر، توسعه شبکه‌های فرامرزی را به یکی از الزامات گذار انرژی در اروپا تبدیل کرده است. بلژیک و هلند با ارتقای اتصال‌های برق میان دو کشور، به دنبال افزایش امنیت عرضه، تسهیل استفاده از برق کم‌کربن و تأمین ظرفیت مورد نیاز صنایع هستند. تکمیل پروژه برابو ظرفیت تبادل برق و توان شبکه در یکی از مهم‌ترین قطب‌های صنعتی بلژیک را افزایش داده و دو کشور اکنون توسعه اتصال فرامرزی دیگری را با هدف دو برابر کردن ظرفیت آن تا سال ۲۰۳۵ دنبال می‌کنند. این روند نشان می‌دهد تقویت زیرساخت انتقال و یکپارچگی بیشتر شبکه‌های ملی، در کنار توسعه تولید تجدیدپذیر، به یکی از محورهای اصلی سیاست انرژی اروپا برای افزایش تاب‌آوری شبکه، رقابت‌پذیری صنعتی و کاهش وابستگی انرژی تبدیل شده است.

توسعه برق‌رسانی فرامرزی میان بلژیک و هلند با تکمیل پروژه برابو و آغاز آماده‌سازی برای ارتقای یک اتصال مهم دیگر وارد مرحله تازه‌ای شده است. افزایش سریع تقاضای برق ناشی از برق‌سازی صنعت، حمل‌ونقل و گرمایش، در کنار وابستگی بیشتر سیستم انرژی اروپا به تولید متغیر خورشیدی و بادی، نیاز به شبکه‌ای گسترده‌تر و به هم‌پیوسته‌تر را افزایش داده است. این همکاری علاوه بر تقویت امنیت عرضه، زمینه استفاده کارآمدتر از منابع کم‌کربن و توسعه ظرفیت مورد نیاز صنایع را فراهم می‌کند.

توسعه اتصالات فرامرزی پاسخ رشد تقاضای برق است

بلژیک و هلند، مانند دیگر کشورهای اروپایی، با رشد سریع تقاضای برق ناشی از برق‌سازی صنعت، حمل‌ونقل و گرمایش روبه‌رو هستند. هم‌زمان، وابستگی سیستم انرژی به منابع تجدیدپذیری مانند باد و خورشید افزایش یافته است؛ منابعی که میزان تولید آن‌ها



میان بلژیک و هلند را ارتقا داده و قابلیت تبادل فرامرزی برق را افزایش داده است. این اقدام ادامه مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها در کشور است. در سال ۲۰۲۴، بخش هلندی این اتصال با جایگزینی خطوط موجود با اتصال‌هایی جدید ارتقا یافته علاوه بر افزایش امنیت عرضه در بلژیک و هلند، امکان استفاده مؤثرتر از منابع انرژی موجود را فراهم می‌کند. اهمیت راهبردی پروژه برابو به این دو کشور محدود نیست و اتحادیه اروپا آن را به عنوان «پروژه دارای منافع مشترک» به رسمیت شناخته است.

این جایگاه به نقش پروژه در یکپارچه‌سازی بازار انرژی اروپا و کمک به اهداف اتحادیه اروپا در حوزه اقلیم، انرژی و امنیت عرضه مربوط است. پروژه برابو از این منظر نمونه‌ای از نقش شبکه برق مقاوم و به‌شدت به هم‌پیوسته در پشتیبانی از توسعه اقتصادی، رقابت‌پذیری

استفاده کارآمدتر از منابع موجود انرژی را فراهم آورد.

بلژیک و هلند طی سال‌های گذشته از کشورهای پیشرو در یکپارچه‌سازی بازار برق اروپا بوده‌اند و شبکه‌های آن‌ها ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارد. ادامه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های

فرامرزی، آماده‌سازی سیستم انرژی دو کشور برای نیازهای آینده صنعت و جامعه، تقویت بازار برق اروپا و افزایش استقلال راهبردی اروپا را دنبال می‌کند.

می‌دهد پروژه برابو شبکه فشارقوی در بندر آنتورپ و مناطق اطراف آن را به طور کامل ارتقا و نوسازی کرده است. این بندر یکی از خوشه‌های مهم صنعتی اروپا و از بخش‌های اثرگذار بر اقتصاد

بلژیک است و توسعه ظرفیت شبکه، امکان ادامه برق‌سازی صنایع و ایجاد ظرفیت بیشتر برای توسعه صنعتی آینده را فراهم می‌کند. این پروژه هم‌زمان یکی از اتصال‌های اصلی برق

صنعتی و گذار انرژی در سطوح محلی، ملی و اروپایی محسوب می‌شود.

همکاری برقی دو کشور وارد مرحله تازه شد

پس از تکمیل برابو، اپراتورهای شبکه انتقال برق دو کشور وارد مرحله آماده‌سازی برای توسعه بیشتر اتصال میان کینروی در بلژیک و ماسبراخت در هلند شده‌اند. این مسیر یکی از کریدورهای راهبردی انرژی در یکپارچه‌سازی بازار برق اروپا است و افزایش ظرفیت آن در برنامه‌های توسعه شبکه اروپایی قرار دارد. مطالعات مقدماتی، طراحی و آرزایابی‌های فنی این پروژه قرار است زمینه ارتقای اتصال را فراهم کند. افزایش تبادل برق از طریق این مسیر می‌تواند دسترسی بهتر به برق مقرون به صرفه و کم‌کربن، امنیت بیشتر عرضه و استفاده کارآمدتر از منابع انرژی در بلژیک، هلند و دیگر بخش‌های اروپا را پشتیبانی کند.

ظرفیت تبادل برق دو کشور دو برابری می‌شود

هدف فعلی، بهره‌برداری از اتصال ارتقا یافته کینروی-ماسبراخت تا سال ۲۰۲۵ است؛ با این حال تحقق این زمان‌بندی به تصمیم‌های لازم در حوزه سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و سرمایه‌گذاری وابسته خواهد بود. این پروژه شامل جایگزینی کابل‌های موجود در اتصال میان کینروی و ماسبراخت و اصلاح پست‌های فشارقوی ۳۸۰ کیلوولت در دو کشور است. همچنین امکان استفاده از فناوری‌های تکمیلی کنترل شبکه، از جمله ترانسفورماتور تغییر فاز، بررسی خواهد شد. مجموعه این اقدامات برای دو برابر کردن ظرفیت اتصال موجود طراحی شده است. گسترش اتصال‌های فرامرزی همچنین می‌تواند وابستگی به منابع خارج از شبکه یکپارچه اروپا را کاهش دهد و امکان واردات برق در زمان دسترسی کشورهای همسایه به انرژی تجدیدپذیر ارزان با صادرات برق هنگام مازاد تولید بادی و خورشیدی را افزایش دهد. چنین ظرفیتی علاوه بر استفاده بهینه‌تر از برق موجود، به تقویت قابلیت اطمینان شبکه‌های کشورهای متصل کمک می‌کند.



توصیه‌های اقتصادی رهبر انقلاب روی میز دولت

توصیه‌های اقتصادی رهبر انقلاب اکنون پیش روی دولت است؛ نسخه‌ای که کارشناسان، اجرای آن را در گرو مهار تورم، ثبات سیاست گذاری، حمایت هدفمند از تولید و تقویت سرمایه‌گذاری می‌دانند. رهبر انقلاب در پیام روز گذشته، مسیر مواجهه با مشکلات اقتصادی را روشن کردند؛ مهار تورم، مدیریت بازار، افزایش سرمایه‌گذاری، رونق تولید، کاهش نقش دلار و تکیه بر تولید داخلی. حالا سؤال اصلی این است که دولت چگونه این توصیه‌ها را به تصمیم‌هایی تبدیل کند که اثر آن در زندگی مردم دیده شود؟ اقتصاد بیش از هر چیز به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد. تولیدکننده‌ای که هرروز با بخشامه جدید، نوسان ارز و تغییر هزینه‌ها روبه‌روست، نمی‌تواند برای توسعه، سرمایه‌گذاری یا استخدام نیروی جدید برنامه‌ریزی کند. کارشناسان اقتصادی معتقدند نخستین گام دولت باید کاهش همین نااطمینانی و ایجاد یک مسیر پایتات برای تولید باشد.

نسخه اقتصادی روی کاغذ نماد

علی صالحی، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با فارس معتقد است تحقق توصیه‌های اقتصادی رهبر انقلاب نیازمند تغییر رویکرد دولت در سیاست گذاری و ایجاد ثبات برای فعالان اقتصادی است. به گفته او، حمایت از تولید زمانی نتیجه می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی دولت قابل پیش‌بینی باشد و تصمیم‌های ناگهانی، هزینه بیشتری به تولیدکننده تحمیل نکند. فریبرز مدحجی، کارشناس اقتصادی، نیزرفع موانع تولید و کاهش هزینه بنگاه‌ها را اولویت می‌داند و می‌گوید نمی‌توان از تولیدکننده انتظار افزایش تولید داشت، اما هم‌زمان هزینه انرژی، مالیات، تأمین مالی و مواد اولیه را افزایش داد. در مقابل، برخی کارشناسان هشدار می‌دهند که حمایت از تولید داخلی نباید به انحصار، کاهش رقابت و افزایش قیمت برای مصرف‌کننده منجر شود. به اعتقاد این گروه، حمایت از تولید باید همراه با افزایش بهره‌وری، کیفیت و رقابت باشد و نباید به تعرفه‌های سنگین، ممنوعیت گسترده واردات یا قیمت‌گذاری دستوری محدود شود.

سرمایه‌گذاری؛ حلقه گمشده رشد

یکی از محورهای مورد تأکید کارشناسان، بازگرداندن سرمایه به بخش تولید است. تا زمانی که فعالیت‌های غیرمولد سود و ریسک کمتری نسبت به تولید داشته باشند، سرمایه‌گذاران تمیزی برای ورود به کارخانه و کسب‌وکار مولد نخواهد داشت. راهکار پیشنهادی کارشناسان، ایجاد ثبات در سیاست‌های ارزی، مالیاتی و تجاری، تسهیل تأمین مالی و کاهش زمان صدور مجوزهاست؛ به گونه‌ای که سرمایه‌گذار بتواند برای چند سال آینده چشم‌انداز روشنی از فعالیت خود داشته باشد.

دلار واردات؛ دو مسیر پرجاشی

درباره کاهش نقش دلار نیز کارشناسان بر تنوع بخشی به تجارت خارجی، توسعه روابط با همسایگان و استفاده از پول‌های ملی تأکید دارند؛ هرچند برخی معتقدند کاهش نقش دلار بدون کنترل تورم و تقویت ارزش پول ملی، صرفاً با بخشنامه امکان‌پذیر نیست. در حوزه واردات نیز نسخه میانه مورد تأکید قرار گرفته است؛ مواد اولیه، ماشین‌آلات و کالاهای ضروری باید به موقع وارد شوند، اما واردات کالاهای دارای مشابه داخلی نباید تولیدکننده ایرانی را از میدان خارج کند. بنابراین به جای ممنوعیت یا آزادی بی حساب، واردات باید هدفمند مدیریت شود.

دولت همه کاره اقتصاد نباشد

کارشناسان همچنین بر استفاده از ظرفیت مردم، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان تأکید دارند. دولت قرار نیست همه مسائل را خودش حل کند؛ بلکه باید موانع را بردارد، قواعد پائیات ایجاد کند و میدان را برای فعالان اقتصادی باز بگذارد. توصیه رهبر انقلاب زمانی به نتیجه می‌رسد که از سطح شعار و برنامه روی کاغذ عبور کند و برای هر محور، هدف، زمان‌بندی و مسئول مشخص تعیین شود. مردم نتیجه سیاست اقتصادی را با آمارهای دولتی نمی‌سنجند؛ با قیمت‌ها، قدرت خرید، رفاه و اشتغال می‌سنجند. اکنون دولت نسخه‌ای که این نسخه را از روی میز به میدان اجرا ببرد.

دو کلید طلایی برای نجات جیب مردم و اقتصاد کشور

کاهش توقف مرزها و افزایش بهره‌وری ریلی، دو عاملی هستند که کارشناسان می‌گویند اگر مرزها گذرگاه شوند و راه‌آهن کارآمد، هم قیمت کالاها تا ۲۰ درصد می‌ریزد و هم سالانه ۴ میلیارد دلار وارد کشور می‌شود. در شرایطی که فشار هزینه‌های زندگی بر دوش مصرف‌کنندگان ایرانی سنگینی می‌کند و هم‌زمان فرصت‌های ارزی ناشی از موقعیت جغرافیایی کشور مغفول مانده، کارشناسان حوزه حمل‌ونقل تأکید می‌کنند که کاهش قیمت تمام‌شد کالاها نهایی و گسب درآمد دلاری از ترانزیت خارجی، به دو عامل کلیدی وابسته است. نخست، کوتاه کردن زمان توقف کالا در مرزها و تبدیل مرزها از «توقف‌گاه» به «گذرگاه» واقعی. دوم، ارتقای بهره‌وری و کارآمدی شبکه حمل‌ونقل داخلی، به‌ویژه بخش ریلی. این دو محور، اگر به‌صورت هماهنگ پیش بروند، می‌توانند هم هزینه کالا را برای مصرف‌کننده پایین بیاورند و هم جریان ترانزیت خارجی را به منبع پایدار درآمد ارزی تبدیل کنند.

تبدیل مرزها از توقف‌گاه هزینه‌بر تا گذرگاه طلایی

زمان توقف طولانی در مرزهایی از اصلی‌ترین عوامل افزایش قیمت تمام‌شده است. وقتی کامیون یا واکن روزها و گاه هفته‌ها در صف بازرسی، ترخیص یا هماهنگی‌های اداری معطل می‌ماند، هزینه خواب سرمایه، سوخت، نیروی انسانی و استهلاک به قیمت نهایی کالا اضافه می‌شود. این هزینه در نهایت از جیب مصرف‌کننده پرخاش می‌شود. تبدیل مرز به گذرگاه به معنای ساده‌سازی رویه‌ها، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی یکپارچه، هماهنگی مگمرک، استاندارد و قرنطینه در یک نقطه واحد، و توسعه زیرساخت‌های فیزیکی برای عبور سریع است. تجربه کشورهای موفق در کردیروهای ترانزیتی نشان می‌دهد که کاهش حتی چند ساعت توقف در مرز، اثر مستقیم و قابل‌اندازه‌گیری بر قیمت کالا در بازار داخلی دارد. به عنوان نمونه، حسین گروسی، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ماکو، با اشاره به وضعیت تردد در مرز بازرگان حدود دو هفته پیش اظهار کرده بود که حدود ۵۰۰ دستگاه در سامانه نوبت‌دهی این مرز قرار دارند و حدود ۲ هزار کامیون نیز در محدوده مرزی منتظر عبور هستند. کشورهای جهان در حال رکود شکنی در حد دقیقه هستند و به دنبال تردد در زیر یک ساعت از مرزها هستند؛ این در حالی است که در ایران از روزها و هفته‌ها صحبت می‌شود.

سه شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ ۱۹ ربیع الاول ۱۴۴۸ ۱ September ۲۰۲۶ سال دوم شماره ۵۴۳

چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

مدیر مسئول: مهدی مهرپور



دولت با آزاد گذاشتن معاملات ارزی به دلار قاچاق رسمیت داده است

گزارش

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با انتقاد از سیاست‌های دولت و بانک مرکزی در بازار ارز گفت: با رها شدن بازار ارز، تعیین‌کنندگان نرخ دلار قاچاقچی‌ها، دلال‌ها و سفته‌بازها هستند و دولت نیز با واگذاری تعیین نرخ به توافقی‌صادرکننده و واردکننده، عملاً نرخ بازار آزاد را به اقتصاد رسمی و سفره مردم منتقل کرده است. ما داریم بازی ترامپ را خودمان به سفره مردم منتقل می‌کنیم و ادامه این روند می‌تواند موج تورمی شدیدی در اقتصاد ایجاد کند.

حسین صمصامی در گفت‌وگو با ایلا، درباره علل افزایش قیمت ارز و اینکه چه اتفاقی رخ داده که به یکباره قیمت ارز طی چند روز گذشته به بالای دویست هزار تومان رسیده است، گفت: هنگامی که هیچ قاعده‌ای روی مهم‌ترین متغیر اقتصادی خودمان که ارز باشد نداریم، مشخص است به کدام سمت می‌رویم.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی یادآور شد: بیش از ۹۰ سال پیش، برخی از اقتصاددانان وقتی در مورد مالکیت دارایی صحبت می‌کردند، می‌گفتند ارز و مالکیت ارز؛ یعنی کسی که ارز دارد و ماهیت ارز با کالای معمول متفاوت است. اما بعضی از دوستان ما می‌گویند ارز مثل کالاهای دیگر است، مثل هندوانه است! اما متخصصان می‌گویند ارز ماهیتش متفاوت است، چرا متفاوت است؟ چون وقتی که تغییر پیدا می‌کند، تمام معیشت مردم به هم می‌ریزد.

وی یادآور شد: در نظام ارزی خودمان، ما عنوان کرده‌ایم که مدیریت ارز شناور شده باشد، یعنی به صورت شناور مدیریت شود. منتها ما مدیریتش نمی‌کنیم و رها شده است. صمصامی خاطر نشان کرد: چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ درحال حاضر تعیین‌کنندگان نرخ ارز در بازار، قاچاقچی‌ها، دلال‌ها و سفته‌بازها هستند. نگاه می‌کنند که جدیداً علیه ما یک سری تحریم‌های شدیدی اعمال شده است، پس چه کاری انجام می‌دهند؟ ارز را خرید و فروش می‌کنند و قیمت را به ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر می‌رسانند. در صورتی که اگر ما یک سری قوانین را داشتیم، می‌توانستیم نوسانات بازار را مدیریت کنیم.

خودمان بازی ترامپ را به سفره مردم منتقل می‌کنیم

وی با بیان اینکه طبق قانون، هر نوع خرید و فروش ارز خارج از شبکه صرافی مجاز بانک‌ها و بانک مرکزی قاچاق و ماندن خرید و فروش مواد مخدر است، تأکید کرد: حاکمیت باید ورود پیدا کند و جلوی این کار را بگیرد. اما نه تنها این کار را نکردیم، بلکه به آن رسمیت دادیم. چگونه رسمیت دادیم؟ با آن مقابله نمی‌کنیم. بنابراین، وقتی که یک شوک وارد می‌شود و یک کسی می‌آید می‌گوید: «تحریم‌های ثانویه شدید شد» وقتی خرید و فروش هم آزاد است، مشخص است که نرخ بالا می‌رود.

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی افزود: حالا فاجعه کجاست؟ اینجاست که وقتی که نرخ ارز در بازار آزاد بالا می‌رود، بانک مرکزی خلاف قانون می‌گوید «صادرکننده و واردکننده بیا هم در مورد نرخ ارز توافق کنند.» آن‌ها هم می‌آیند بر اساس نرخ بازار آزاد توافق می‌کنند. چقدر توافق می‌کنند؟ مثلاً اگر ارز در بازار آزاد ۲۰۵ هزار تومان باشد، صادرکننده و واردکننده روی ۲۰۰ تومان توافق می‌کند.

وی تصریح کرد: بورس کالای ما فردا می‌آید نرخ را ۱۶۰ هزار تومان و ۱۷۰ هزار تومان اعلام می‌کند و واردکننده ما هم نرخ ۲۰۰ هزار تومان را اعلام می‌کند، بنابراین آن چیزی که ترامپ می‌خواهد اتفاق می‌افتد. یعنی الان ما داریم بازی ترامپ را خودمان به سفره مردم منتقل می‌کنیم. ترامپ می‌آید با یک خبر به بازار شوک وارد می‌کند و این شوک، به واسطه خودمان، یعنی همین مسئولان در حاکمیت، به سفره مردم منتقل می‌شود.

موج تورمی شدیدی در راه است

صمصامی گفت: هنگامی که وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام می‌کند که از فردا تحریم ثانویه آغاز می‌شود و هیچ‌کس حق ندارد با ایران، نه در قالب قاچاق، نه پول‌شویی و سایر موارد مرادات اقتصادی داشته باشد و هرکسی این کار را انجام دهد از چرخه دلار حذف می‌شود، این یک موج انتظارات در بازار ایجاد می‌کند.

وی افزود: این موج انتظارات، نرخ ارز در بازار آزاد، قاچاق و بقیه موارد غیرقانونی را بالا می‌برد؛ بازاری که اصلاً غیرقانونی است، منتها رفتار حاکمیت، یعنی بانک مرکزی و دولت، به گونه‌ای است که این نرخ را از حالت غیرقانونی خارج کرده و رسمیت بخشیده است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس عنوان کرد: با توجه به اینکه بانک مرکزی اجازه داده صادرکننده و واردکننده با هم توافق کنند، لذا نرخ ۲۰۴ الی ۲۰۵ در سفره مردم قرار می‌گیرد و بعد این نرخ بالاتر می‌رود و این تورم در سفره مردم دائمی می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: هنوز اقتصاد ما متأثر از نرخ ارز ۱۸۰ هزار تومان که در یکی، دو ماه گذشته داشته‌ایم نشده و باید انتظار موج تورمی شدیدتری هم داشته باشیم و این فاجعه در اقتصاد ما در حال شکل‌گیری است. در نامه‌ای که به رئیس‌جمهور نوشتیم، گفتیم آقای رئیس‌جمهور، راه این نیست و مسیر درست را نشان ایشان دادیم.

ادعای موفقیت توافق اسلام‌آباد در حالی است که بندهای آن اجرا نشد
صمصامی در پاسخ به اینکه گفته می‌شود مسائل روانی روی قیمت ارز اثر می‌گذارد، اما امروز که مجدداً بحث مذاکره مطرح است و با وجود تلاش‌های مثبت میناجی‌ها دوباره شاهد افزایش قیمت ارز هستیم، گفت: مذاکره با آمریکا زمانی موفق می‌شود که شما (ایران) تسلیم شوید.

وی ادامه داد: چه زمانی تسلیم می‌شوید؟ وقتی که آمریکا بگوید «دست از تنگه بردارید»، «دست از هسته‌ای بردارید»، «دست از توان موشکی بردارید و بُرد آن را کم کنید»، «نفّت‌تان را باید بدهید»؛ بعد هم می‌آید در رفتار و ارتباط شما با دنیا دخالت می‌کند که چگونه باشد و بعد اقدامات دیگر را انجام می‌دهد. بنابراین، مذاکره با آمریکا یعنی تسلیم شدن. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: مذاکره یک بازی است. این که امروز عده‌ای عنوان می‌کنند حضور عاصم منیر موفقیت‌آمیز بود، چه موفقیتی؟ اوج موفقیت ما توافقی اسلام‌آباد بود که ترامپ و رئیس‌جمهور ما امضا کردند؛ اجرا شد؟ حتی این تقاهم‌نامه را کتاب کردند و در مجلس برای ما

فرستادند، آیا بنده‌ای آن اجرا شد؟ خیر. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: شورای اطلاع‌رسانی دولت هم برای ما فرستاده است که تقاهم‌نامه اسلام‌آباد یک ابعاد فنی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و یک پیروزی دیپلماتیک است. در صورتی که آمریکا با موضوع مذاکره با ما در حال بازی کردن است. وی ادامه داد: تأکید می‌کنم مذاکره با آمریکا وقتی به نتیجه می‌رسد که تسلیم‌اش شویم و این تسلیم شدن یعنی از توان هسته‌ای، تنگه هرمز، قدرت موشکی و نفت و غیره بگذریم، تغییر حاکمیت ایجاد شود؛ رفتارمان را با دنیا آن‌طوری که آمریکا می‌خواهد، عوض کنیم. بنابراین، از مذاکره و این صحبت‌ها باید عبور کنیم.

صادرکننده و واردکننده با نرخ بالای ۲۰۰ هزار تومان توافق می‌کنند؛ دولت هم نظاره‌گر است

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: اما اینکه می‌گویند این شرایط آثار روانی بر اقتصاد و بازار دارد، بله، آثار واقعی بر زندگی مردم دارد. چون من به‌عنوان تصمیم‌گیر، آثار این موضوع را در زندگی و معیشت مردم سرایت می‌دهم. آمریکا می‌گوید: «تحریم ثانویه تشدید می‌شود، هیچ‌کسی حق ندارد حتی پول‌شویی، قاچاق و سایر اقدامات اقتصادی با ایران را انجام دهد و اگر دست به این کارها بزند، من اجازه نمی‌دهم در چرخه اقتصادی جهان قرار بگیرد.» این باعث می‌شود عوامل خود دشمن در داخل، سفته‌بازها و قاچاقچی‌ها دست به یک سری اقدامات غیرقانونی بزنند.

وی ادامه داد: از سوی دیگر، خودمان هم قانون را اجرا نمی‌کنیم و می‌گوییم صادرکننده، ارز خود را به ما بدهد که او هم این کار را انجام نمی‌دهد و می‌گوید دلار در بازار بیش از ۲۰۰ هزار تومان است، چرا باید به قیمت ۱۸۰ تا ۱۹۰ به شما بدهم؟ دولت هم می‌گوید شما صادرکننده‌ها بروید با واردکننده توافق کنید و روی هر نرخ به توافق رسیدید، کالای خودت را وارد کنید. واردکننده هم می‌گوید: «به‌به، بازار قیمت ارز بالای ۲۰۰ هزار تومان است، خیرش را ببینی، روی ۲۰۰ هزار تومان با هم توافق می‌کنیم.» بعد به دولت می‌گوید: «من زیر قیمت بازار توافق کردم، به مال خودم آتش زدم و گور پدر سودی که باید به دست می‌آوردم.»

سیاست‌اری دولت عملاً دلار قاچاق را آزاد گذاشته است

این نماینده مجلس شورای اسلامی بیان کرد: واردکننده با نرخ ۲۰۰ هزار تومان جنس می‌آورد، با فلان قیمت هم به بورس کالا داده می‌شود و همه این‌ها به سفره مردم می‌آید. یعنی این وزیر خزانه‌داری آمریکا آمده است یک حرفی زده، کل اقتصاد ما به واسطه این کارهایی که ما داریم انجام می‌دهیم لرزیده است؛ این به آن مناسبت که اقتصاد ما مقاوم نشده است.

وی اظهار داشت: درست است که دشمن ما را تحریم و ضربه خودش را به اقتصاد ما وارد می‌کند، اما ما هستیم که به دلیل عدم اجرای قانون و ایجاد یک سری مسیرهای سخت، این را در سفره مردم می‌نشانیم. لذا خزانه‌داری آمریکا کيفت خودش را می‌برد

و می‌گوید: «من یک حرفی را می‌زنم، اقتصاد ایران می‌لرزد، سفره‌های مردم کوچک می‌شود؛ چه لزومی دارد که من موشک بزنم؟». صمصامی در پایان گفت: من هشدار می‌دهم که آقای دولت، کاری که شما در قضیه ارز انجام می‌دهید و اتفاقی که در بازار از در حال رخ دادن است، یعنی معامله میان صادرکننده و واردکننده و آزاد گذاشتن این تفاوت، در واقع به معنای آزاد گذاشتن دلار قاچاق است. شما با این مسئله مقابله نمی‌کنید. در اصل، تمام ایس اقدامات زمینه‌ای ایجاد می‌کند که شما دقیقاً هم راستا با دشمن و به ضرر کشور گام بردارید.

تأکید می‌کنم مذاکره با آمریکا وقتی به نتیجه می‌رسد که تسلیم‌اش شویم و این تسلیم شدن یعنی از توان هسته‌ای، تنگه هرمز، قدرت موشکی و نفت و غیره بگذریم، تغییر حاکمیت ایجاد شود؛ رفتارمان را با دنیایان طوری که آمریکا می‌خواهد، عوض کنیم. بنابراین، از مذاکره و این صحبت‌ها باید عبور کنیم

کارکرده به شکل‌گیری یک مافیای جدید یا ایجاد حباب قیمتی تازه در بازار منجر شود. البته حتی اگر ۲۰۰ دستگاه خودروی کارکرده وارد بازار شود، از نظر تعداد تأثیر چندانی بر بازار بزرگ خودروی کشور ندارد، اما در مجموع قیمت‌ها در نقطه اوج افزایش قرار داشت، قانون نیز باید انجام شود.

قیمت برخی خودروهای ایران خودرو و سایپا

حدادی در ادامه درباره قیمت خودروها در بازار اظهار کرد: در برنامه قبلی به دلیل اینکه قیمت‌ها اعلام نشد، اما اکنون با توجه به اینکه بازار تا حدودی تعدیل شده است، می‌توان به قیمت برخی محصولات اشاره کرد. وی افزود: در سبد محصولات ایران خودرو، تارا ۱۴۰۱ با موتور جدید حدود ۲ میلیارد و ۵۱ میلیون تومان قیمت دارد. همچنین پژو ۲۰۷ با موتور TU3 حدود یک میلیارد و ۸۴۰ میلیون تومان و پژو ۲۰۷ اتوماتیک معمولی حدود ۲ میلیارد و ۶۶۰ میلیون تومان معامله می‌شود. این کارشناس بازار خودرو درباره محصولات سایپا نیز گفت: سهند S حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، ساینا S حدود یک میلیارد و ۳۴۰ میلیون تومان و شاهین اتوماتیک پلاس حدود ۳ میلیارد تومان قیمت دارند. حدادی در پایان تأکید کرد: بازار خودرو طی هفته‌های اخیر متراًباز شده و افزایشی داشته و در شرایط فعلی، علاوه بر عوامل داخلی بازار، متغیرهای ارزی و تحولات منطقه‌ای نیز بر روند قیمت‌ها اثرگذار هستند.



کافی مواجه نشود. حدادی همچنین درباره واردات خودروهای کارکرده گفت: بر اساس اعلام مدیرکل دفتر صنایع خودرو، واردات خودروهای کارکرده وارد مرحله اجرایی شده و تاکنون برای هزار دستگاه خودروی کارکرده ثبت سفارش انجام شده است.

وی افزود: حدود ۷۰۰ دستگاه از این خودروها نیز در مسیر ورود به کشور قرار دارند که ممکن است به گمرک رسیده باشند، در حال ترخیص باشند یا در مراحل حمل‌ونقل و باربری قرار داشته باشند.

این کارشناس بازار خودرو تأکید کرد: موضع ما در پایان تأکید کرد: بازار خودرو طی هفته‌های اخیر متراًباز شده و افزایشی داشته و در شرایط فعلی، علاوه بر عوامل داخلی بازار، متغیرهای ارزی و تحولات منطقه‌ای نیز بر روند قیمت‌ها اثرگذار هستند.

هدف ساماندهی و کاهش مصرف بنزین، خبر جدیدی نیست و پس از هشدار سال گذشته رئیس‌جمهور به خودروسازان و تعیین ضرب‌الاجل، صنعت خودرو مکلف به اجرای این برنامه شده است.

حدادی افزود: در همین مدت نیز مکاتباتی با وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام شده و مدعی وزیر خودروهای مدرن هستند.

امیدواریم این بار اجرای استانداردهای جدید مانند استاندارد ۸۵ گانه سال‌های گذشته با تأخیر و اختلاف بر سر نبود فرصت